

اختلال وسواسی-اجباری

وسواسی دارای چندین فکروسواسی میباشد افکار شایع وسواسی عبارتند از افکار وسواسی در مورد میکروبها ، آلودگی ، بیماری ، مرگ ، بیماری بستگان ، کلمات زشت ، رفتار جنسی همراه با هزره گری ، احتمال انجام پرخاشگری و اعمال خشونت شدید .

سایر افکار وسواسی شکل ایده‌های تجربیدی به خود می‌گیرند و بصورت موضوعات فلسفسی و اعتقادی تظاهر می‌کنند .

تعریف وسواسها - خصوصیات وسواسها عبارتند از عقاید ، افکار و تصورات مقاوم و رجعت کننده و یا انگیزه‌هایی که برای شخصیت فرد غیر قابل پذیرش می‌باشند ، بنی این که این علائم به دلخواه فرد پیدانشده و به‌زور به خودآگاهی بیمارراه می‌یابند ، فرد آنها را بی‌معنی و مخالف خواسته خودش حس می‌کند و می‌کوشد آنها را نادیده بگیرد و یا پس‌بزند .

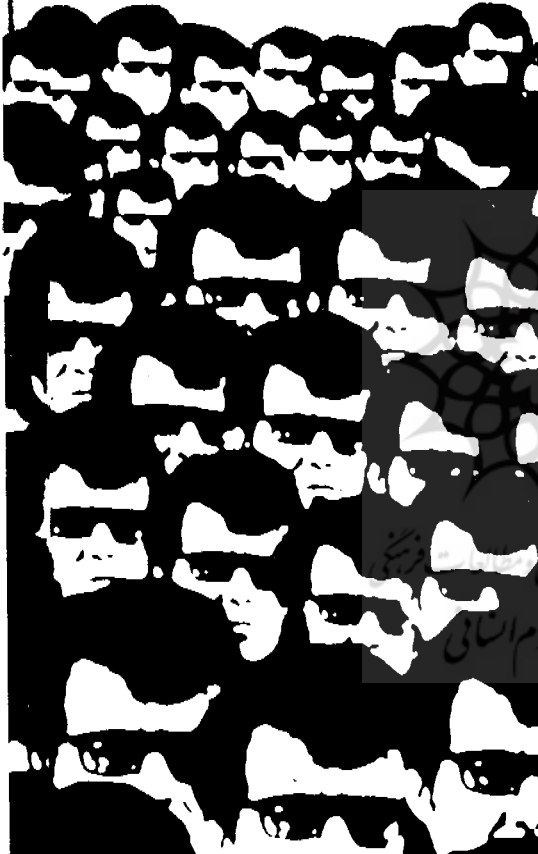
تعریف وسواس های عملی با اجبارها

اجبارها عبارتند از رفتارهای تکراری و ظاهراً هدف داری که برطبق قواعد معین و بایصورت کلیشه‌ای انجام میشوند ناز وقوع یک حادثه و یا یک وضعیت درآینده مانع شوند و یا موجب پیدایش آن گردند . این عمل بانوعی الزام ذهنی اجرا میشود و همراه است با تمایل به مقاومت در مقابل اجبار و فرد بر بی‌پرده بودن رفتار و قوف دارد و از اجرای آن لذتی نمی‌برد هرچند که ممکن است موجب کاهش تنش باشد .

با زبانی ساده‌تر میشود گفت که یک وسواس عبارتست از یک فکر ثابت همراه با اضطراب که بیمار نمی‌تواند آنرا از خودآگاهی‌اش بیرون کند و اما یک اجبار عبارتست از یک اضطراب شدید برای انجام یک عمل فیزیکی که بمنظور کاهش و تسکین تنش صورت می‌پذیرد .

نابلو بالینی اختلال وسواسی - اجباری

(- وسواسی‌ها ؛ افکار وسواسی همراه با اضطراب زیاد بوده و حتی گاهی ممکن است باپانیک (حمله حاد اضطرابی) همراه شوند و معمولاً "بیماران



نرسه‌های وسواسی از اعمال خشونت و یا انجام اعمال غیر اخلاقی بطور شایع در روان پزشکی بالینی دیده میشوند مثلاً " ممکن است یک‌مادر از این بترسد که ممکن است درهر لحظه مرتکب قتل فرزندان خود بشود .

اعمال را انجام ندهد گرفتار بدشاسی خواهد شد .

یک جنبه اختلال وسواس اجبار این است که این بیماران به یک نوع تفکر ابتدائی *Primitive* و سحرآمیز (*magical*) برگشت (*Return*) می نمایند که خود این نوع تفکر مربوط به اوائل کودکی است .

گرچه بیمار در بیان این نوع افکار دچار اشکال است اما احساس می کند که رفتارهای اجباری او دارای یک نوع قدرت جادویی است که می تواند او را در برابر بیلاها محفوظ بدارد و او را از اضطراب و احساس گناه رهایی بخشد ، بنظر چنین فردی واژه ها دارای قدرتی می باشند که او را قادر می سازند باید شانس ها مقابله کند .

بیمار وسواسی غالباً "واژه ها و جملات شعار - گونه ای را تکرار میکند و در حالیکه در ذهن خودش مشغول مقابله با بلاهائی است که قریباً بر او نازل خواهند شد ، با تکرار و گفتن چنین واژه ها و جملات سعی دارد خطرها و بلاها را خودش دور بکند . در چنین بیماری فرد به تفکر ابتدائی بازگشت کرده است و در همین نوع تفکر است که اعمال و واژه های سمبولیک دارای قدرتی می باشند که می توانند بر روی حوادث تاثیر بگذارند و فرد را از اضطراب و احساس گناه رهایی بخشد .



اختلالات وسواسی - اجباری معمولاً "در سالهای نوجوانی و قبل از چهل سالگی دیده میشوند البته در کودکان هم دیده میشوند - گاهی ممکن است برای اولین بار بین چهل تا شصت سالگی پیدا بشوند و بندرت در بالاتر از شصت سالگی تظاهر می کنند .

بعضی از بیماران این ترس وسواسی را دارند که مبادا در ملاء عام رفتار جنسی ناهنجاری انجام دهند و یا بطور اجباری و ناگهانی چیزی بدزدند البته بایستی متذکر شد که بیمار وسواسی ترس عمیقی از به وقوع پیوستن چنین اعمالی دارد و هرگونه تدبیر و چاره را بکار می گیرد تا از وقوع این گونه اعمال جلوگیری کند بعضی بیماران بطور مکرر به کارهایشان شک می کنند و به همین جهت کارهایشان را مرتب کنترل می نمایند و گاهی بعلمت همین شک و تردید قادر به انجام کاری نبوده و از اخذ تصمیم ناتوانند .

۲- اجبارها - همانطور که قبلاً گفتیم اجبار عبارت از تمایل شدید به انجام یک حرکت فیزیکی (جسمی) بمنظور تسکین تنش می باشد . انجام این عمل اضطراب فرد را که قبل از انجام حرکت وجود دارد تسکین می دهد . از اجبارهای نمونه شستشوی مکرر دست ها و از اجبارهای دیگر لمس مکرر اشیاء مختلف و اجبار در شمارش می باشد . معمولاً در پشت اجبارها فکر و ترس وسواسی نهفته است و این جا است که اختلال وسواسی - اجباری بالینی کلاسیک شکل می گیرد برای مثال یک بیمار که اجبار دارد مکرراً دستهایش را بشوید و آداب و مراسمی خاص (*Rituals*) در مورد پاکیزگی دارد ترس وسواسی نسبت به بیماریهائی باشد چنین فردی می ترسد که این بیماریها بوسیله میکربها و یا اشیاء آلوده به او انتقال یابند و این است که مرتب در حال شستشوی دستها است .

مثال دیگر - یک بیمار که اجبار در شمارش دارد و آداب و مراسمی خاص و بطور مکرر انجام می دهد دارای ترس وسواسی از بیماریها ، مرگ و سایر بلاها می باشد و چنین می پندارد که اگر این

علل اجتماعی و بین فردی اختلال وسواسی
- اجباری



۱- علل وسواس - بیمار وسواسی واژه‌ها و جملات را برای کنترل و مخفی کردن اضطراب خود به‌کار می‌گیرد و به‌جای آگاه شدن از تجربه‌های دردناک گذشته و کنونی خویش اضطراب خود را به واژه‌ها و جمله‌ها مربوط می‌سازد و این کلمات و جملات سمبول آن تجربیات میشوند (یعنی همان تجربه‌ها تا آنی که فرد از روبرو شدن خود آگاهانه با آنها طفره می‌برد) و بیمار برای کنترل اضطراب خود بایستی بطور پایان ناپذیری آنها را تکرار کرده و مدام به آنها بیندیشد .

در اختلال وسواسی - اجباری واژه‌ها جانشین فرآیندی میشوند که در درون فرد جریان دارد در حالیکه این واژه‌ها سمبول چیزهای دیگری هستند ، بعلاوه بیمار وسواسی به واژه‌ها کیفیتی سحرآمیز می‌بخشد همان‌طور که در کودکان کوچک، می‌بینیم . در خلال اولین سالهای زندگی که کودک نمی‌تواند بین واژه سمبولیک با واقعیت عینی فرق بگذارد چنین احساس می‌کند که خود کلمه گل با گل واقعی یکی است و چنین می‌پندارد که فقط با گفتن واژه گل و یا فکر کردن درباره آن می‌تواند همان گل واقعی را داشته باشد و لمس نماید ، بنابراین کودک به واژه‌ها و جملات خاصیتی می‌بخشد که ما آنرا جادوئی می‌گوئیم و در حقیقت بیمار وسواسی این چنین پندار و احساس درباره واژه‌ها را در خود حفظ کرده و یاسه آن برگشت کرده است . بنابراین این در تلاش‌هایش بمنظور کنترل اضطراب از این واژه‌ها و جمله‌ها یاری می‌گیرد . این فرآیند برای بیمار وسواسی دارای نتایج مختلفی است ، زندگی هیجانی -

عاطفی او تغییر می‌یابد ، او در یک دنیای مکانیکی و تشریفاتی و رسمی زندگی می‌کند که در آن دنیا واژه‌ها و جمله‌ها بر روابط بین فردی و انسانی غلبه می‌کنند .

سالیوان در تحقیقات خود متوجه شده تقریباً " تمامی بیماران وسواسی به‌نگام کودکی و اوائل نوجوانی تحت تسلط روابط خشن و بیرحمانه یکی از نزدیکان خود قرار داشته‌اند که رفتار ظالمانه خود را در پشت نقابی از محبت و توجه ظاهری نسبت به بیمار اعمال مینموده است .

برای مثال والدینی که با خشونت کودک را طرد می‌کرده‌اند به‌او می‌گفته‌اند که این رفتار آنها یک نوع آموزش است تا او اعتماد به نفس و استقلال را یاد بگیرد بنابراین این‌گونه والدین به کودک می‌آموختند که واژه‌ها را بعنوان سمبول‌هایی برای مخفی کردن و استتار تجربیات دردناک خود به کار ببرد و این همان چیزی است که بیمسار در اختلال وسواس بعدی خود به آن عمل می‌کند .

بیمار وسواسی فردی است که هیچگاه یک رابطه صمیمی ، راحت و موفق بین فردی و انسانی را تجربه نکرده است و به همین جهت به دنیای واژه‌ها و شعارها و جمله‌ها فرار کرده است و آنرا جانشین روابط نزدیک بین فردی کرده است و این فرآیند که در کودکی اتفاق افتاده است به بزرگسالی کشیده شده است .



۲- علل وسواس عملی یا اجبار

اجبارها بعلمت آشنگی‌های هیجانی ، عاطفی که خود آنها مربوط به استرس‌های بین فردی گذشته و کنونی بیمار می‌باشند ، ایجاد میشوند و همین استرس‌ها است که بیمار را غرق در اضطراب

واحساس گناه می‌کنند .

علل موجد اختلال اجبار کاملا" شبیه
علل و فرآیندی است که در وسواس ذکر کردیم .
معمولا" یکارتباط سمبولیک بین علائم اجبار و
آشفته‌گی های هیجانی عاطفی وجود دارد و این
آشفته‌گی بطریق ناسالمی توسط این سمبولها بیان
میشود بنابراین یک فرد مبتلا به اجبار که مجبور
است بطور مکرر دست‌هایش را بشوید درحقیقت
مشغول مبارزه با بی‌اخلاقی و احساس گناه و
بی‌ارزشی و آلودگی‌ها است . یک بیمار که مجبور
است به هر گوشه و کنار پیاده رولگد بگوید در
حقیقت در حال بیان تمایلات پرخاشگرانه مخفی
شده خویش است . که نمی‌تواند بطور خودآگاه
با آنها روبرو بشود .

البته این چنین فردی درباره کشمکش‌های
اساسی (*Basic conflicts*) و احساسات
و تمایلات خودش چیزی نمی‌داند یا خیلی کم
می‌داند اما او فقط یک اضطراب در خود احساس
می‌کند که با انجام یک سلسله حرکات فیزیکی
تنش ، اضطراب و خشم خود را تسکین بدهد
یعنی در حقیقت معارضات ناخودآگاه خود را
بصورت تحریف یافته‌ای بیان می‌کند .

سیر بالینی اختلال وسواسی- اجباری
اگر وسواس‌های خفیف و جزئی با - اجبار
همراه نباشند غالبا" خود بخود و بمرور از بین
می‌روند . در اختلالات وسواسی شدید روان
درمانی معمولا" بی‌نتیجه بوده و ممکن است این
اختلال سالها طول بکشد .

اختلال وسواس در کودکان اغلب اوقات بمرور
زمان خود بخود بهبودی می‌یابد و بندرت ممکن
است به نوجوانی و بزرگسالی کشیده شود ، اما اگر
مشکلات هیجانی و استرس‌های بین فردی کودک

حل نشده باقی بمانند ممکن است در نوجوانی
و یا بزرگسالی علائم جدید وسواسی و یا سایر
علائم نوروتیک از خود نشان بدهد .

قضایات در مورد آتیه اختلال اجبار بایستی
با احتیاط صورت بگیرد ، اختلالات اجباری
ممکن است سالها و گاه تا آخر عمر طول بکشند
گاهی نتیجه روان درمانی در مورد اختلالات
اجباری حاد که تازه شروع شده‌اند رضایت بخش
بوده‌است بطوریکه بسیاری از بیماران کاملا" بهبود
یافته‌اند و بعضی دیگر تا حد زیادی تسکین
یافته‌اند .

در بیماران وسواسی - اجباری مزمن - بروز
دوره‌های افسردگی و اضطراب شایع بوده ، و این
افسردگیها و اضطراب‌ها غالبا" به روان درمانی
پاسخ مساعد می‌دهند و گاهی تجویز داروهای
ضد افسردگی و آرام بخش مفید واقع میشود .

اکثریت عظیمی از بیماران وسواسی- اجباری
هرگز پسیکوتیک نمی‌شوند ، اما دارای شانس
بیشتری در گرفتار شدن به افسردگیها و بنظر
بعضی به اسکیزوفرنی می‌باشند .

گاهی ممکن است قبل از اینکه در یک فرد علائم
اسکیزوفرنی و یا افسردگی پیدا بشود بیمار
علائم وسواس یا اجبار داشته باشد که در این‌گونه
موارد در حقیقت اسکیزوفرنی یا افسردگی با این
مقدمه شروع شده‌اند .

درمان

۱- انواعی از اختلالات وسواسی که با علائم
اجبار - همراه نیستند غالبا" به روان درمانی
جواب مساعد می‌دهند و هدف روان درمانی
کشف و حل کردن استرس های هیجانی- عاطفی
می‌باشد و بنظر ما خود این استرس‌ها از روابط
ناسالم بین فردی و اجتماعی در زندگی گذشته
و کنونی بیمار منشاء گرفته‌اند و سبب پیدایش

اختلال وسواس در فرد شده‌اند .

۲- درمان اختلالات اجباری که بیش از چند ماه دوام داشته‌اند بسیار مشکل می‌باشد ، بطوریکه روان درمانی های طولانی هم ممکن است فقط منجر به تسکین محدود علائم بتود و ممکن است داروها هم تاثیر زیادی نداشته باشند .

بیمار مبتلا به اجبار به دلایل مختلفی به روان درمانی جواب مساعدی نمی دهد .

او روان درمانی رایه‌گونه‌ای سرد ، مکانیکی و غیر شخصی ارزیابی می‌کند ، در رابطه خود با درمانگر خشک ، سرد و لجوج و خوددار باقی میماند ، بعلت چرب‌زبانی و مهارت در کاربرد

واژه‌ها روان درمانی را به یک فرآیند کسل کننده و خالی از هیجان تبدیل می‌کند .

اگر یک درمانگر روش خنثی برای نفوذ در دفاعهای او در پیش بگیرد بیمار شدیداً مضطرب و یا افسرده میشود و ممکن است درمان را ادامه ندهد ، اما بطور کلی هر بیمار مبتلا به اختلال اجبار که انگیزه درمان داشته باشد می‌تواند از روان درمانی بهره بگیرد و می‌تواند افسردگیها و اضطرابهای شدید گاهگاهی او را تسکین داد و ممکن هم هست که بسیاری از علائم اجبار بهبودی نسبی بیاید .

بقیه از صفحه ۹



مستورات ایشان را خطا و گناه می‌شمردند .
ج - امام و امت رسول خدا همه رسولان و انبیا را عید خداوند و مخلوق خداوند تعال دانستند و از آنجا که رسول نبی را برانگیخته از سوی خدا میدانستند واجب اطاعت و طاعت میگردید ، و می‌کنند . بدینسان تکیه اصلی آنان به خداوند تبارک و تعالی بود . کمالیه بسمند الکم الطیب و العمل الصالح برفعه - و الی ربک المنتهی . والسلام علیکم

۱- از همه ابزار و لوازم کارآمد در روابط جمعی و رسانه‌های گروهی فقط نوار بکار گرفته شد و اسبابا " از تلفن استفاده شد .

آن رسول مورد قبول رهبر و مردم ایران بود . در این رابطه نوع تفکرات امام اول علی بن ابیطالب و امام سوم سیدالشهدا و امام ششم نقی شاعر و تعیین کننده داشت . ملت ایران به علی و حسین بن علی دیر آشنا بودند و به آنان محبت ویژه داشتند و اخلاص می‌ورزیدند . گوش ملیست ایران با پیام جعفر بن محمد آشنا بود و امام خمینی هم بیشتر از هر کدام از احاد ملت به این امامان معرفت داشتند و ارادت نشان میدادند .

بد بالاتر از اعتقاد به ائمه هدی امت اسلامی و رهبر انقلاب به رسول اکرم بعنوان خاتم الانبیا اعتقاد داشتند و اطاعت از او امر او را فریضه میدانستند و متروک ماندن هر کدام از احکام و

